

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۱۲ اکتوبر ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

تردید

بر شانه هایم سوزندگی خورشید عشق زخم می گذارد، ولی سایه بان مهر تو در کناره های
حصار سنگی تردید، به انزوای سرد می رود. پیش از آن، که از دیده ام دور بروی،
می میرم!!!

عقربهای چشمت

نیش عقربهای چشمت زهر مرگ آور جدائی را در نبض زندگیم فرو ریخت و فریادم در
تاریکی کوچه های سرنوشت پیچید.

هوای پرواز

آغاز بامدادی ست، که در آستان اندیشه هایت نشسته ام و روح زودباورم را با وعده
برگشتت، هوای پرواز به قله های شادمانی می دهم. زمان در چاه نیستی فرو میرود،
حجره ام نفیر خشک خارستان غم را آواز میدهد. دست به گیلان نقره نئی قهوه می برم،
تا افکارم را آرامش مجازی بدهم.

آه! فال زهر آلود آینده را از طعم تلخ قهوه حس می کنم و گیلان از دستم رها می گردد.
فرش زیر پایم رنگ می گیرد و آئینه انتظار در نگاهم جیوه می بازد. حلاوت لبخندم
نابود می گردد، ولی هنوز کنار پنجره ناچاری برای برگشتت چاره می جویم.

(ناهید "غزل" غنی زاده)